



حنانه سادات موسوی  
مدال آور المپیاد سواد  
رسانه ای

## کله نوجوان های تلویزیونی را از توی گوشی دریاورید!

وقتی کلمه فیلم های  
تین-ایجری را  
می شنوم، یاد  
فیلم ها و سریال های  
آمریکایی ای می فتم

که در آن نوجوان ها درگیر مسائل سخت و مهم می شوند، اشتباهات بزرگ ترها را اصلاح می کنند و جهان را نجات می دهند. فیلم هایی که قهرمانان شان، از بین نوجوان ها انتخاب می شوند، کسانی که خیلی عادی زندگی می کنند و درس می خوانند، مدرسه می روند و با خانواده تعامل دارند، ولی آن قدر بزرگ شده اند که مشکلاتی را حل کنند که بعضا بزرگ ترها هم از پس آنها بر نمی آیند. فیلم هایی که در تلویزیون ایران به ندرت ساخته می شوند و خب بعضی هایشان قصه کسانی را روایت می کنند که شباهت چندانی به نوجوان ها ندارند. چند سال قبل، اکثر نوجوان هایی که در تلویزیون زندگی می کردند، مثل بچه ها، هیچ چیزی را نمی دانستند و اطلاعات کافی نداشتند یا اگر هم داشتند، اراده ای برای انجام کار نداشتند و فقط نظاره گر اتفاقاتی بودند که بزرگ ترها درست می کردند.

الان، چهره نوجوان های تلویزیونی تغییر کرده، ولی راستش را بخواهید، هنوز همان بچه های منفعل قبل هستند؛ ممکن است حالا اطلاعات کافی داشته باشند، ولی هنوز نمی توانند از اطلاعات شان استفاده کنند.

نوجوان های تلویزیونی الان، بچه هایی هستند که مدام روی مبل لم داده اند یا در اتاق شان هستند و مدام سرشان را توی گوشی هایشان نگه داشته اند، بدون این که از گوشی هایشان مفید استفاده کنند.

دخالتی در مشکل های خانوادگی ندارند و فقط تاثیرپذیرند، فقط به فکر خودشان هستند و وقتی خانواده شان نمی تواند انتظارشان را برآورده کند، شروع می کنند به داد

زدن سر خانواده و بی ادبی کردن.

نمی گویم ما هیچ وقت وقت مان را با گوشی هایمان تلف نمی کنیم و بلد نیستیم خود خواه و یکدنده باشیم؛ نه، این حرف من نیست؛ فقط به نظر من، ما خیلی بیشتر از این حرف ها هستیم و نوجوان های تلویزیونی، نه این که دروغ باشند، ولی همه حقیقت هم نیستند، بخشی از ما هستند که توسط برنامه سازهایی بازنمایی شده اند که نوجوانی خودشان را یادشان رفته و برای همین، چیزی که خلق کرده اند را درک نمی کنند.

راه حل برگرداندن نوجوان های واقعی به تلویزیون، فقط این است که نویسندگان و برنامه سازهایی را پیدا کنیم که نوجوان ها را درست درک می کنند و خب از بخت خوب، ۲۰ درصد جمعیت کشور را همین برنامه سازها و نویسندگان تشکیل می دهند. شناختن شان زحمت زیادی نمی خواهد، خود شما هستید، همه نوجوان هایی که در کله های داغ شان پر است از ایده های مختلف و تازه.

کسانی که نوجوان ها را درک می کنند و با کفش آنها راه می روند؛ کسانی که می توانند نوجوان واقعی را به تلویزیون برگردانند.

اگر به جای خالی ما اعتراض دارید، پس شروع کنید، شما بشوید برنامه سازی که ما را درک می کند، برنامه سازی که ما را درست به همه نشان می دهد.

همین الان بلند شوید و کله نوجوان های تلویزیونی را از توی گوشی هایشان دریاورید؛ به آنها نقش اصلی بدهید، کمک شان کنید مشکلات خانواده شان را حل کنند، کمک شان کنید تلاش کنند، بروند دنبال ماجراجویی، به آنها ادب یاد بدهید تا مجبور نباشند در تمام فیلم ها سر خانواده شان داد بزنند. عوض شان کنید، بلند شوید؛ وقتش رسیده تصویرمان را در تلویزیون ویرایش کنیم.

## نه من آنم که تو دانی...!

جایگاه نوجوان در سینمای ایران کجاست؟ اصلا جایگاهی برای نوجوان در این بازار شام وجود دارد؟ در این سال ها چند فیلم برای نوجوان ساخته شده است؟ آیا تعداد فیلم های نوجوان پسند سینمای ما به تعداد انگشتان یک دست رسیده؟ در تمام این سال ها نوجوانی در سینما بوده که نقش ساختن جامعه اش را داشته باشد؟ نسل من نخواسته به اندازه سینمای هالیوود که نوجوانان همواره ناجی و تاثیرگذار هستند چیزی ساخته شود، اما این را می خواهد که هدف ها، رویاها و جواب سوالاتش را در سینمای خودش دنبال کند.

فکر نمی کنم هیچ سالی بیش از ۵ درصد تولیدات سینمایی نوجوان ها را نشان داده باشند. خوب دقت کنید؛ سهم یکی بزرگ ترین و مهم ترین مخاطبان سینما در هر سال تنها ۵ درصد است. آن هم در خوشبینانه ترین حالت. اگر توانستید جایگاه و ضرورت تولید محتوای مفید و درست را بشناسید و سهم نسل من از سینمای بزرگ ایران را تا حدی بدهید تازه باید فکری برای حل این مشکلات کنید. تازه باید فکری برای ساختن فیلم های نوجوان پسند کنید. تازه باید سعی کنید تصویری درست تر از نسل من را برای دیگران به نمایش بگذارید.

تازه باید فکری کنید که چگونه خیل عظیمی از دوستانم که با سینمای کشورشان قهر کردند را برگردانید و باید بفهمید که نوجوان به خودی خود وجود دارد و نباید آن را به کودکی بچسبانید.

یکی از مهم ترین و  
مهمجورترین مخاطبان  
رسانه ها، نوجوانان  
هستند. نوجوان هایی  
که بارها برای یافتن

پاسخ سوالات و رفع نیاز هایشان به سینما روی آورده اما دست از پا درازتر بازگشته اند.

نوجوانی که تصویر تاریک و زشتش در سینمای ایران نشان داده می شود و با چند کلیک به تصویر قهرمانانه و زیبای نوجوان آمریکایی می رسد. اینجا همان جایی است که من فکر می کنم سینمای ایران دل خوشی از نسل من ندارد و کمر به نشان دادن هرچه زشت تر از من در رسانه اش بسته. سینمایی که تصویری ناعادلانه از من را به تصویر می کشد و هیچ اعتماد به نفسی در وجود مخاطب هم نسل من باقی نمی گذارد.

بارها و بارها برنامه های تلویزیون از لزوم گفت وگو با نوجوان می گویند و کارشناسان ساعت ها در این باره بحث می کنند اما کدام فیلم سینمایی یا برنامه تلویزیونی تلاش کرده تا با ما گفت وگو کند؟



رسانه

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۳ ■ ۸ آبان ۱۳۹۹

نوجوانان



## # هفته - ملی - نوجوان

فاطمه زارع کار  
مدال آور المپیاد  
سواد رسانه ای



پراستعدادهای بی جهت که به کوچولو فقط به کوچولو بهشون پروبال، نه، شاید بال و پیر بدن می تونن منطقه شون، کشورشون، نه، اصلا دنیا رو زیر و رو کنن و تگون بدن.

دارم درباره همونایی میگم که با توجه به اوضاع گاهی بچه صداشون می زنن گاهی آدم بزرگ.

یا بهشون میگن چرا مثل بزرگ رفتار می کنی؟ چرا مثل بچه ها رفتار می کنی؟

همونایی که هویت شون بین این دوره سنی گم شده.

هویتی غیررسمی برای عموم و حتی نهادها به نام نوجوان.

شنیده بودم سال ها پیش هفته ای به نام نوجوان وجود داشت، از ۸ آبان تا ۱۳ آبان و چقدر برام جالب و شیرین بود، ولی تغییرش و بسند به یک روز ۸ آبان به کمکی زد توی ذوق من.

رسمی شدن و جدی گرفته شدن رده نوجوان به قول خودمونی گودزیلاها به عنوان یک رده مستقل نیازمند همکاری و توجه اقشار مردمی و نهادهای رسمی است.

به نظرم هفته نوجوان داشتن باعث میشه یک هفته یعنی هفت روز توجهات زوم شه روی این گودزیلاها و شناخت شون؛ نهادهای رسمی و مردم توجه بیشتری بهشون می کنن و رده نوجوان کم کم می تونه اعلام استقلالش رو بین مردم و نهادها جا بندازه. شاید این طوری این موجوداتی که برای مردم ناشناخته است کشف بشن!

به نظرم این قدری این رده مهم و تاثیرگذار هستند و صدا البته گمنام که ارزش نام گذاری هفته ای به نام شون هست. همین رهبران آینده دنیا (مادر و پدرها) اگه این تیکه رومی خوندن نگاهی به نوجوون شون که سرش تو گوشیه می گردن و می گفتن بابا این اتاقش رو نمی تونه مدیریت کنه داخلش همش شلوغ پلوغه.

هرکشوری اگه توجهش رو کمی بده به نوجوان ها یعنی داره آینده کشورش رو خوشگل می کنه.



برگ سبز خودرو پراید، مدل ۱۳۸۲، رنگ سفیدشیری - روغنی، به شماره شاسی 51412282107739 به شماره موتور 00543337 به شناسه IRPC82IV3OK107739 و به شماره پلاک ۷۷۳-۷۸ به نام فاطمه پیرهادی ده علیخانی مفقود و فاقد اعتبار می باشد.